

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

پدين بوم وير زنده يك تن مياد
از آن به که کشور به دشمن دهيم
چو کشور نباشد تن من مياد
همه سر به سرتون به کشتون دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبي - فرهنگي

الحاج خليل الله ناظم باخترى
همبورگ - جرمى

رقصِ سماع

میروم ه مراء مولانای ما
از زمین تا صدر اع لامیرود
با سماع و با فلاح و بانوا
اولین و آخر رین و واپسین
در جهان دیگر نمیداند کسی
با کتاب و بساناصاب و معتبر
گرچه پیغمبر نباشد نام وی
باتجلى می شود نقش و نگار
راه عقل و دانش و راه خ داشت
زن دگانی هست بیدون عدم
حکمت است و رحمت است و نی غصب
لوح مح فوظ است از روزِ است
روز و شب فتوای ایشان نارواست
لایق دی و ددو حیوان نیست
در حقیقت رشته جانند و بس
هرچه باشد آدمیزاده یکیست
{ ناظما } تفریق بین شان ز چیست

دست ما و دامن مولای ما
رفته بود و باز بالا میرود
رقص رقصان تاثریا و سما
با یکایک ره روان راستین
آچه مولانای ما داند بسی
عالی علم اليقین دادگر
واقف از اصل وجود ذاتِ حی
در صفتِ نام آوران روزگار
راه مولانا که راه مُصطف است
روشنائی دارد و سرتاقدم
خلق انسان از روی ادب
معنی اسلام تسلیم بودن است
طالب و ملاکه در فکر خطاست
قتل و کشندن درخوار انسان نیست
مسلم و کافر که انسانند و بس

(سی جون دوهزار و یازده)